

ماده تاریخ سازی

بیان جریان این فن و توصیف آن - اصول و قواعد هر بوطه - عمل اساتید
در این فن - تقریظ و انتقاد از بعضی تاریخ سازان

بقلم آقای ابوالقاسم سحاب

بیان جریان این فن
و توصیف آن

یکی از فنون بدیعه و صنایع لطیفه شاعری و شعر سازی که
اغلب آنرا جزء صنایع مستضرفه مانند موسیقی و نقاشی و
غیره شمرده اند ساختن ماده تاریخ است و در این فن از آغاز

ظهور شعر و شاعری یا قبل از آن برای حسن ضبط تاریخ و نقش بستن آن در خاطر
از جهت شرب و اتخاذه یک کلمه یا کلمات و از طریق نظم بطرز شعری و منظوم
در نیم بیت (مصراع) یا یک بیت یا بیشتر سال تاریخ را می گنجانیده و وقوع حادثه یا شرح
بنا یا خراب و ظهور یا انقراض و ولادت یا وفات و غیره را مضبوط مینموده اند.

اغلب مورخین و ادبا ابتدا در قسمت منظوم اشعاری را من باب مقدمه برای
توصیف موضوع و اهمیت و جلب توجه بنظم آورده سپس در آخر مصراع بایستی را
که متضمن ماده تاریخ است ضمیمه مینمایند.

این عمل برای ثبت و ضبط تاریخ چنانکه از روش اساتید و مورخین استفاده
میشود و اساساً همینطور است بهتر از ساده نویسی تاریخ و بعدد نگاشتن آن است
چه فی الحقیقه در اینجا از طرفی اصلی صحیح و فراموش نشدنی را که دارای
مقدمه مشتمل بر لطایف ادبی و صنایع شعری است مراعات نموده و خاطر بضبط و
حفظ آن بواسطه جنبه ادبی آن بیشتر متمایل میشود و از طرفی دیگر این عمل
مشتمل بر یک نوع ورزش فکری و ریاضت ادبی است که اساتید را علاوه بر سنجیدن
سخن بحل مسائل ریاضی و داشته و پس از حل آن نشاط و انبساطی در شاعر پیدا
میشود که بمراتب از حل مسائل ریاضی و هندسی شیرین تر است و همان حلوتی که

بمذاق يك نفر محاسب یا مهندس از حل مسائل حاصل میشود شاعر از آن بهره مییابد.

اصول وقواعد مربوط برای ساختن ماده تاریخ رعایت اصول و قواعدی لازم است باین فن که با ندانستن آن استاد تاریخ ساز و شاعر مورخ بخطا میروند بلکه اشتباهی را متحمل میشوند و زحمتی بی فایده و تکلیفی بی جهت بخود راه میدهد.

مورخ ادیب و استاد بی نظیر در این فن مرحوم میرزا اسمعیل خان دیر تفرشی (متوفی ۱۳۲۲ قمری) که خداوند این هنر و سرآمد اساتید این عمل بوده برای اصول وقواعد این فن در ذیل کتاب نخبه التواریخ^۱ خود وجیزه قانونچه ای نگاشته و طریقه اخذ و طرد حروف مواد تاریخ و طرز ساختن آن را بوضع حساب جمل (حروف ابجد) و تشخیص اخذ این عمل بیان نموده و دستوری داده که نگارنده قسمتی از آنرا برای تبیین موضوع اقتباس مینماید:

«گوینده ماده تاریخ باید در عمل خود حروف مکتوبه را مناط عمل و شمار دانسته و حروف هشده را يك حرف شمرده و نیز حروف مسروقه یا معدوله مانند او خواجه و خوار و غیره را مأخوذ و مطلق الف و لام را در شمسی و قمری و غیره بحساب آورده و کلمات زائده قبل از ورود مطلب که عبارت را برای قبول و توجه مقصود مستعد مینماید یا در بعضی از مواد من باب ضرورت در ابتدا و وسط یا آخر ماده تاریخ آورده و جزء ماده نیست از قبیل جزو گفتا «بگو» و «برگو»

۱ - نخبه التواریخ تاریخی جامع در نظم و نثر است که از آغاز اسلام بنام مبارک حضرت خاتم النبیین آنرا مصدر و مزین بوده و تا آخر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار بطور خلاصه اسم و اثر و گذارش ائمه و رجال و جلوس و وفات سلاطین و ارتحال علما و حوادث مهم و سوانح را ذکر کرده و برای هر یک ماده تاریخی متناسب و متین و قابل ضبط و شیرین ساخته است ولی تا کنون بچاپ نرسیده.

ر «پس برگو» و امثال آنرا نباید مأخوذ داشت و نیز حروف ربط مانند که و چه بعد از «جزو گفتا» و «بگو که» و «گفتم که» و غیر اینها را باید از ماده تاریخ خارج دانست و بحساب نیاورد و دانست که آنها در عدم اخذ و طرد همان حکم باطل را داراست همچنین در کلمه «الله» باید آنرا مبنی بر دو لام دانست چنانکه گفته اند :

هم بود الله مبنی بر دو لام گفتم این مر مبتدی را والسلام

و آنرا نباید مورخ و ماده تاریخ ساز بك لام بشمار بیاورد و با شتاب افتد یا سهل انگاری نماید و آنرا بك لام محسوب دارد (چنانکه اکنون در اغلب نوشته‌جات ماشین با يك لام مینویسند) و نیز در اسمعیل و اسحق رسم الخط آنرا منظور داشته بدون الف نویسند و موسی و عیسی را با یاء بنگارند و همچنین در کلمات ازین و درین که باید همزه در درج کلام ساقط شود تاریخ ساز همزه را بحساب نباید بیاورد و بنگارد و نیز همزه مابین دو علم مثل حسن بن موسی را ساقط نموده بشمارد که باز باین زحمت نیفتد و یکعدد بواسطه زیاد کردن همزه بخطا رود و بالعکس در «است» رابط باید با الف آورد هیچگاه الف را حذف ننماید و چنانکه بسیاری از شعرا آنرا بطور وضوح در اشعار خود آورده اند مانند این شاعر که گوید :

فتنه دیری است که در چشم تو بست آمده است

این چه بستی است که در خانه مست آمده است

بنا بر این باید که سازندگان ماده تاریخ نکات و دقایق مربوطه را بتمامی در نظر گرفته آنگاه تاریخ سازی نمایند تا علاوه بر زحمتی که کشیده اند عمل خود را بخطا انجام ندهند و مورد این انتقاد سخن سنجان قرار نگیرند.

عمل اساتید بزرگان جهان نظم و استادان سخن و اشعار که در
در این فن سخن هر یک سر آمد زمان بوده اند اغلب یا متحمل زحمت
و ریاضت این عمل نشده یا استعداد آنر نداشته اند که این هنر را نیز بمقام هنروری
خود مزید نمایند یا در دوره ایشان این فن پا بوجود نهداده و معمول نبوده است

لذا از ساختن ماده تاریخ خود داری نموده و اگر اقدامی در این باب کرده یا قدمی در این راه نهاده و ذوق ادبی خود را باین فن سنجیده باشند خیلی بندرت بوده و بطوریکه مشاهده میشود هر يك از اساتید بزرگ مانند فردوسی و سعدی و نظامی و دیگران در مورد ضرورت خود را بزحمت ساختن ماده تاریخ نینداخته و سال تاریخ را ببيان ادبی و بیان عدد بطور واضح بنظم آورده و راحت فکر را بهتر از زحمت و ریاضت آن شمرده اند. چنانکه فردوسی فرماید:

زهجرت شده پنج هشتاد بار (۳۵۰) که گفتم من این نامه شاهوار

و باز درختم شاهنامه این شعر را باو نسبت داده اند:

اگر سال نیز آرزو آمده است نهم سال و هشتاد با سید صداست (۳۸۹)

و سعدی گوید:

در آن مدت که ما را وقت خوش بود زهجرت ششصد و پنجاه و شش بود
نظامی گوید:

در پانصد سال هفت بر سر بگذشت زهجرت بیمبر

تقریظ و انتقاد اما دیگران که از صنعت ماده تاریخ سازی با بهره

از تاریخ سازان بوده و این راه را بیای فکر پیموده اند ماده تاریخ های با

معنی و صحیح و متناسب و مربوط با واقعه و حادثه را بهتر از نظم روان ساخته اند، از آن قبیل است تاریخ سازی مرحوم دبیر که در کتاب نخبه التواریخ خود متجاوز از هزار ماده تاریخ ساخته و همگی متناسب و موزون با صحت و صنایع ادبی مقرون است و از آن جمله است قصیده شصت و چهارمصرع ماده تاریخ در يك میزان و يك مقدار که در مسافرت فرنگ مظفرالدین شاه در ۱۳۱۷ و مراجعت او در ۱۳۱۸ ساخته و کمال استادی را در آن بخرج داده و نیز در تاریخ جلوس شاه عباس ثانی گوید:

چو تاریخ جلوسش را بخواهی بگو: «ایام شاه عباس ثانی»

و در جلوس کریمخان زند گوید: «گفتا: وکیل ملک جم آمد کریمخان»
 و در قتل ناصرالدین شاه علاوه بر ماده تاریخ سازی صنعت بدیع نموده که روز
 و ماه سال را در یک مصرع آورده و گفته: هفدهم روزماه ذی القعدة = ۱۳۱۳
 و در فوت مرحوم میرزا یوسف مستوفی الممالک گفته است:
 بطرز ابجد و تصریح آمدش تاریخ هزار و سیصد و سه بود فوت صدر زمن
 و در تاریخ ولادت خود گوید: بد اسمعیل را ذی الحججه مولود
 و فی الحقیقه اگر کتاب مذکور که این استاد جمع و تصنیف نموده طبع شود
 و در میان ارباب سخن منتشر گردد بهترین مروج این هنر خواهد بود و آنگاه مقام
 استادی نگارنده این کتاب که مکتوم و مستور و نامش اکنون مانند خود او از میان بیرون
 است معروف خواهد شد.

اما جمعی دیگر هستند که خود را دچار تکلف ادبی نموده و زحمت ساختن
 ماده تاریخ را بخود داده و آنرا بطور تعمیه و الغاز ساخته اند. در این قسمت هم اساتید بیشتر
 صنعت ادبی مذکور را بطرزی پسندیده و وضعی متناسب و قابل ملاحظه و دل چسب
 ترتیب داده و سخن را بنوعی خوب و مرغوب بیان نموده اند که خاطر ارباب ذوق و
 قریحه شعر و ادب را بخوبی کلام و هنر خود جلب فرموده اند چنانکه قوام الدین
 محمد قزوینی در تاریخ جلوس نادر شاه گوید:

اسکندرشان بنصر و تأیید و ظفر
 برمسند جم گشته عدالت گستر
 تاریخ جلوس میمنت مانوسش
 ذوالقرنین است تاج اقبال بسر

۱۱۴۸ = ۱۱۴۷ + ۱

این مورخ تاج اقبال را که الف باشد بر ذوالقرنین افزوده و ماده تاریخ را که
 مطابق با ۱۱۴۸ است ترتیب داده است و نیز مرحوم میرزا زین العابدین تفرشی مستوفی
 نادر شاه در ماده تاریخ بنای باغی گفته:

بلبلی سر بدرون کرد پی تاریخش مژده آورد بیرون که بگو: «باغ ارم»
 در اینجا مستوفی مذکور با کمال استادی و ریاضت فکری ماده تاریخ متناسبی
 را بطرز تعمیه ساخته و خوب از عهده بر آمده باین طریق که اصل ماده تاریخ دو کلمه
 «باغ ارم» است و آن مطابق با ۱۲۴۴ میباشد و دو عدد که عبارت است از حرف «ب»
 یعنی سر کلمه بلبل را داخل در ماده تاریخ نموده و آنرا به ۱۲۴۶ بالغ گردانیده
 سپس کلمه «مژده» را که هم عدد با ۵۶ است از باغ ارم بیرون آورده و تاریخ بنا را که
 مطابق با ۱۱۹۰ است استادانه بقانون ادخال و اخراج تعیین نموده .

در مقابل این جمع بعضی از شعرا ذوق خود را در ساختن ماده تاریخ مدخلیت
 داده و بواسطه عدم اطلاع از اصول و قواعد مربوطه یا عدم مراعات رسوم و قوانین
 این صنعت در مواردی بخطا و اشتباه رفته اند چنانکه گوینده ماده تاریخ فوت
 مرحوم حاجی سبزواری یعنی: گفتا «که نمر دزنده تر شد» کلمه ربط یعنی «که» را بحساب
 آورده و اصل تاریخ را که مطابق با ۱۲۸۹ است بواسطه افزودن ۲۵ عدد بیمورد
 و بشمار آوردن کلمه «که» تکمیل نموده و تازه ماده تاریخی متناسب که لاقول متضمن
 اسم یا صفت یا اثری از شخص صاحب تاریخ باشد، نگفته در صورتیکه برای گوینده این
 ماده تاریخ ممکن بود بطوری که معمول به استاید فن است زیر بار تعمیه نرود و ماده
 تاریخ متناسبی ترتیب دهد .

نظیر این قضیه ماده تاریخهایی است که هم اکنون بعضی از سخن سرایان و
 ادبای دوره ما با همه استادی که در شعر و شاعری دارند ترتیب داده و روابط را که
 مربوط بماده تاریخ نیست جزء آن شمرده و بحساب آورده اند و با اصل واقعه تفاوتی
 فاحش از این راه مشاهده میشود چنانکه در تاریخ مدرسه رضائیه طهران این اشتباه
 بزرگ رخ داده و ماده تاریخ را «که رضائیه گو مبارک باد» بشمار آورده در صورتی که
 بیست و پنج عدد از سال بنا کمتر است و تکمیل آن با افزودن «که» حرف ربط انجام
 گرفته است. رعایت اختصار را بنگارش خود خاتمه داده و بقیه را بذوق ارباب دانش و
 سخن سنجان عالی مقام وامیگذاریم.